

اشیاء فصل 52 آیه 7 تا 10

چه زیباست بر کوهپایه های مبشر که سلامتی را ندا می‌کند و به خیرات بشارت می‌دهد و نجات را ندا می‌کند و به صیهون می‌گوید که خدای تو سلطنت می‌کند. آواز دیده بانان تو است که آواز خود را بلند کرده ، با هم ترنم می‌نماید، زیرا وقتی که خداوند به صیهون رجعت می‌کند، ایشان معاینه خواهند شد. ای خرابه‌های اورشلیم به آواز بلند با هم ترنم نماید، زیرا خدا قوم خود را تسلی داده و اورشلیم را فدیة نموده است. خداوند ساعد قدوس خود را در نظر تمامی امت ها بالا زده است و جمیع کرانه های زمین نجات خدای ما را دیده است

پیام‌آور شادی ، خبر از آزادی می‌دهد. بله این خبر خوبی برای امروز است، کی هست که در پی شادی نباشه؟ شادی نه برای یک روز بلکه برای مدت خیلی زیاد، امروز کسی به نام کامران خبر شادی از کمینتس گرفت که او توانست اقامت بگیرد و حالا او می‌تواند از یکی از دور افتاده ترین هایم های زاکسن اثباب کشی کند. او حالا می‌تواند یک آینده خوبی برای خودش درست کند، کامران با خودش می‌گه که حالا من دیگه به هدفم رسیدم و این راه تعقیب و گریز را توانستم با موفقیت پشت سر بگذارم ، من می‌خواهم به او و ادمهای مثل او تبریک بگویم، یک روشنایی کوچک در این روزگار یک امید خیالی بزرگ است. بله ما امروزه ترس داریم و قصه داریم و ناراحتی داریم و جستجو برای خوشبختی بعضی اوقات نامیدی می‌آورد. شادی ما همیشه پایان پذیر است حتی در صورت برنده شدن در لوتو یا میلیاردر شدن یا قبولی در آلمان ، همه این‌ها نمی‌توانند خوشحالی را برای ما تا ابد نگه دارد. اگر یک راهی برای خوشبختی باشد می‌توانیم ما همه بروی تخت بیمارستان دراز می‌کشیدیم و به خودمون سرم وصل می‌کردیم تا ما بتوانیم این خوشبختی را دریافت کنیم. و از لحاظ پزشکی شاید این ممکن باشد ولی چرا با وجود این ما خوشبخت نیستیم؟ در سرنوشت ما خیلی چیزها پیش میاد که ما میبینیم خوشبخت نیستیم و اگر خوب دقت کنیم می‌بینیم که این خوشبختی دستیافتنی نیست. در انجیل هم راجع به این قضیه آمده که: در موعظه سوم و چهارم می‌گوید که خنده زمانی دارد و گریه زمانی دارد و شکایت زمانی دارد و رقص هم زمانی دارد. اشیاء نبی از یک پیام شادی به ما خبر می‌دهد که این شادی نه برای یک روز و یک شب بلکه برای همیشه و برای آینده است. حال چرا این خوشحالی وجود دارد؟

در ابتدا دلیل او زمینی به نظر میاد ، تجربه او سیاسی بوده ابتدا که من الان آن را شرح می‌دهم: اسرائیلی ها به تبعید محکوم شدند توسط بابلی ها، نسلها عوض شد ولی آن‌ها هنوز در تبعید بودند، در تبعید معبدی برای پرستش نداشتند تا با خدای زنده در ارتباط باشند. با توجه به دور شدن آن‌ها از خدا باعث شده بود که آن‌ها خدایان دیگر را جایگزین آن کنند و پرسش خدای زنده را کنار بگذارند . در این بحران سیاسی برای آن‌ها یک معجزه رخ می‌دهد. کورش بر بابلی ها پیروز شد و یهودیان را آزاد کرد و آن‌ها می‌توانستند به خانه برگردند. از این معجزه سیاسی آن‌ها به ایمان خود پی بردند که باید به خدای زنده‌ای رجوع کنند که آن‌ها را . از طریق کورش نجات داده و این در زمان حال و هوای حضور مسیح بوده برای آن‌ها الان نگاه می‌کنیم به مسأله دیگری ، ما چطور می‌توانیم این شادی را به تصویر بکشیم؟ همانطور که مادیات به ما القاء می‌کنند که شادی را ما باید از آن‌ها بگیریم و آن‌ها می‌گویند موفقیت در آن‌ها است و شاید این دلیلی بر افسردگی ما است . در این صورت ما دیگر نمی‌توانیم خوشبخت باشیم. و ما به ذات حقیقی خوشحالی نمی‌رسیم. ما که بر تخت بیمارستان هستیم بجای داروی در سرم به ما عیسی تسکین می‌دهد

خوشحالی که در انجیل آمده و خوشبختی واقعی همه در کلام خدا هست. بدین ترتیب اشیاء می سرایند که خدا شاه است و او شما را فراموش نکرده است. ما می‌توانیم دوباره پیش او باشیم ، ما قوم او هستیم و او خدای ماست. او این کلمات را در یک سرزمینی دارد فریاد می‌زند . او هیچ مدرک قابل اثبات دیگری ندارد جز اینکه خدا اینجاست ، چشمه قدرت و دلیل خوشحالی اوست. در عهد عتیق این داستان به عنوان یک نماد به بارها تکرار شده که : خدا اینجاست و این تنها دلیل این است که آدم خوشحالی واقعی را داشته باشد. خدا راه است، و خوشحالی و زندگی و امید در خداوند باعث می‌شود که ما در راه او باقی بمانیم. این واقعاً بد هست ، حتی بدتر از سخت ترین ناراحتی هاست که می‌توانیم تجربه کنیم و آن هم این است که خداوند ما را ترک کند. و دیگر به دعای ما گوش ندهد. در این موقعیت ، اشیاء صدا می‌کند: خدایا ، خانهات را دوباره در کوه سیون بنا کن و او به ما جرأت دوباره می‌دهد. مارتین لوتر این تجربه را زمانی که به خدا بازگشت تازه فهمید که در چه مرتبه‌ای است در برابر خداوند. و قبل از آن در تاریکی و بدبختی بود و متوجه شد که اینجا چیزی درست نباید باشد. اگر خدا در عیسی حضور کند خوشحالی دوباره به ما برمی‌گردد. ما تجربه می‌کنیم این خدای پنهانی را در این خوشحالی ها ، وقتی که ما در اطراف خود بدبختی داشته باشیم این را بهتر می‌توانیم حس کنیم. ما خال خیلی شبیه لوتر یا ادم های گفته شده در انجیلیم که در عهد عتیق بودند که در پی خوشی های زود گذر بودند و ما این خوشحالی ها را در خرید و تبلیغات و چیزهای زود گذر می‌بینیم . اینها زمان کوتاهی به ما شادی می‌دهد ولی همیشه ماندگار نیستند

راه دیگری که اشیاء نام می‌برد، این است که او برای ایمان خودش خدا را صدا می‌کند : خوشحالی برای شادی که هست و برای قومش و برای اورشلیم که خدا قوم خودش را کمک می‌کند و آن‌ها را آزاد می‌کند، اشیاء سعی نداشته ویرانه شدن اورشلیم را مخفی کند بلکه او خدا را با یک غم صدا می‌کند و این بدبختی‌ها برای نشان دادن بدبختی نیست بلکه برای برنامه شادی این قوم در آینده است. در واضح ترین حالت عیسی به ما نشان می‌دهد که این برنامه چطور نمایان می‌شود و او ما را از آسمان صدا نمی‌کند که : شما بیچاره ها حالا می‌توانید شادی کنید و او در آسمان مخفی نمی‌شود بلکه او خود را در جسم ما قرار می‌دهد. او صلیب را بجای ما بر می‌دارد و برای ما می‌میرد و ما نجات پیدا می‌کنیم. عیسی به ما می‌گوید که این زمانهای شادی را به ما نشان می‌دهد که چطور همیشه برای خود نگه داریم نه فقط در ادونت ، در یک تصویر او به ما این را نشان می‌دهد که ما یک انگور هستیم در یک درخت انگور که اگر همچین باشد ما به سوی او می‌رویم و به شادی حقیقی می‌رسیم و این یک جایگزین شادی زود گذر ناپایدار نیست بلکه برای همیشه است و جاودان. این خداست که پیش ما می‌آید و خانه می‌کند و او هر جا که هست شادی هم هست و بدین ترتیب ما باید همیشه این را به خودمون یادآور شویم که همچین چیزی هست. پولوس با توجه به رنج‌هایش همیشه می‌گفت که خوشحال باشید چون خدا با شماست

به این دلیل ما شمع های زمان ادونت را در تاریکی روشن می‌کنیم که نمادی از عیسی است که عیسی در تاریکی هم وجود دارد ، می‌بینید امروز سه شمع روشن هست ، عیسی دارد نزدیکتر می‌شود و خدا با نورش پیش ما می‌آید و او تاریکی را با نور از بین می‌برد. او کاملاً روشن می‌کند همه جا رو و قلب ما را روشن می‌کند . به زودی ادونت است و به زودی عیسی می‌آید . امین